

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

فاصله در بین صف‌های نماز بدعتی است که حکام گناه آن را مرتکب می‌شوند!

(ترجمه)

حمد و ستایش الله سبحانه و تعالی را و درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه وسلم، بر اولاد و اصحاب آن حضرت و کسی که او را پیروی می‌کند؛ اما بعد:

به پاسخ تمام کسانی که سوالاتی برایم ارسال کردند و سوال نمودند که حکم فاصله گرفتن از دیگر نمازگزاران در نمازهای جماعت و جمعه چیست؟ این سوال‌کنندگان می‌گویند که حکام در بعضی از سرزمین‌های اسلامی مساجد را بسته و هرگاه مساجد را باز می‌کنند، نمازگزاران را مجبور می‌سازند که در صف‌های شان دو متر فاصله بگیرند، این حکام استدلال می‌کنند که اشخاص مصاب به این مرض معذور گفته شده، مثلی که برای مریض جائز است که نماز را نشسته بخواند؛ یعنی بنا به ادعای این حکام فاصله بین نمازگزاران نیز به حالت مریضی قیاس شده و حتی اگر شخص مریض نبود و احتمال مریضی را داشت باز هم فاصله بگیرند؟ این اشخاص از من سوال کردند که آیا برای حکام جائز است تا نمازگزاران را به فاصله این‌چنینی مجبور سازند؟ آیا این فاصله بین صف‌ها بدعتی است که حکام گناه‌اش را می‌کشند؟ سوال‌کنندگان بر دانستن جواب این سوالات‌شان اصرار دارند.

پاسخ بر سوالات این اشخاص را به توفیق الله سبحانه و تعالی چنین می‌دهم:

در گذشته در طی چندین پاسخ از حکم بدعت معلومات داده بودیم که اگر اشخاص سوال‌کننده آن پاسخ به پرسش‌ها را عمیق در نظر بگیرند این جواب هم برای‌شان واضح می‌شود و برای‌شان معلوم می‌گردد که آیا فاصله به این صورت بدعت و گناه‌شان به گردن حکام است و یا خیر؟ که پاسخ این سوالات قرار ذیل است:

اول- به تاریخ 28 رجب 1434 هـ.ق، در این خصوص پاسخ داده بودیم: (بدعت مخالفت امر شارع است که برای آن امر کیفیت مخصوصی آمده باشد؛ پس بدعت طوری که در لسان‌العرب آمده است: "مبتدع کسی است که امری را از امور شرعی به خلاف صورت و کیفیت اصلی‌اش انجام دهد." و هم‌چنان گفته می‌شود: ابدعت الشیء؛ یعنی این شی را بدون کدام مثال و نمونه اختراع نمودم و در اصطلاح هم بدعت به معنای آن است که شخصی عملی را بر خلاف عمل رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام دهد؛ یعنی در کیفیتی که شریعت بیان کرده عمل خود را بر خلاف آن کیفیت انجام دهد و همین معنی و مدلول این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم است که فرموده است:

«وَمَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»

ترجمه: کسی که عملی را بر خلاف امر ما انجام داد آن عمل مردود است. (لفظ از بخاری و تخریج از بخاری و مسلم است.)

همچنان کسی که سه سجده در نماز خود انجام دهد مرتکب بدعتی شده؛ زیرا مخالف عمل رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام داده است. همچنان کسی که هشت سنگریزه در بدل هفت سنگریزه در جمره منی بزند او هم بدعتی را انجام داده؛ چون این شخص با این عمل خود، عملی را مخالف عمل رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام داده است. همچنان کسی که بر لفظ اذان افزون و یا کم کند او هم بدعتی را مرتکب شده؛ زیرا اذان را بر خلاف شکلی که رسول الله صلی الله علیه و سلم تأیید کرده مرتکب شده است.

اما مخالفت امر شارع که کیفیتی ندارد آن مخالفت در باب احکام شرعی واقع شده در آن صورت شخص یا عمل حرامی مرتکب شده و یا عمل مکروهی و این در صورتی است که خطاب تکلیفی از سوی شریعت در خصوص آن حکم موجود بوده و یا شخص در آن صورت باطل و فاسدی را مرتکب شده این در صورتی است که خطابی وضع شده و شناخت هرکدام این موارد ارتباط به قرینه‌ای دارد که توأم به امر شرعی باشد.

مثلاً: مسلم از ام المومنین عائشه رضی الله عنها روایت نموده که عائشه رضی الله عنها نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم را توصیف کرده، گفت:

«... وَكَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ لَمْ يَسْجُدْ، حَتَّى يَسْتَوِيَ قَائِماً، وَكَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ، لَمْ يَسْجُدْ حَتَّى يَسْتَوِيَ جَالِساً...»

ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) وقتی سرشان را از رکوع بلند می‌کرد سجده نمی‌کرد تا این که راست استاده شده و وقتی سر خود را از سجده بلند می‌کرد، سجده نمی‌کرد؛ مگر این که راست می‌نشست.

در این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم واضح ساخته که مسلمان بعد از بلند کردن سرش از رکوع باید راست استاده شده و وقتی از سجده سر خود را بلند کرد باید راست بنشیند، بعداً سجده دوم را انجام دهد. کسی که این کیفیت را مخالفت کند بدعتی را مرتکب شده است و وقتی نمازگزار از رکوع بلند شد، قبل از استواء و راست استادن سجده کند، بدعتی را انجام داده؛ چون کیفیتی را که رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان کرده مخالفت کرده است.

اما مسلم از عباد بن صامت روایت کرده است که او گفت: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم:

«يُنْهَى عَنْ بَيْعِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ، وَالْفِضَّةِ بِالْفِضَّةِ، وَالْبُرِّ بِالْبُرِّ، وَالشَّعِيرِ بِالشَّعِيرِ، وَالتَّمْرِ بِالتَّمْرِ، وَالْمِلْحِ بِالمِلْحِ، إِلَّا سَوَاءً بِسَوَاءٍ، عَيْنًا بِعَيْنٍ، فَمَنْ زَادَ، أَوْ أزدَادَ، فَقَدْ أُرْبَى»

ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه و سلم) از بیع طلا به طلا، نقره به نقره، گندم به گندم، جو به جو، خرما به خرما و نمک به نمک منع نموده؛ مگر این که وزنشان برابر و مساوی باشد، کسی که اضافه داد و یا اضافه گرفت؛ واقعاً که عمل سودی را مرتکب شده است.

اگر مسلمان این حدیث را مخالفت و طلا را در برابر طلا زیادتر از وزن اش گرفت گفته نمی‌شود که او بدعتی را انجام داده؛ بلکه گفته می‌شود که او حرامی؛ یعنی عمل سود را مرتکب شده است.

خلاصه: این که مخالفت از کیفیتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان نموده است بدعت بوده و مخالفت از مطلق امر رسول الله صلی الله علیه و سلم که کیفیت آن بیان نشده باشد، در باب احکام شرعی؛ یعنی در باب حرام، مکروه، باطل و فاسد واقع می‌شود.) ختم جوابیه 28 رجب 1434 ه.ق.

هم‌چنان ما در جواب دیگری در 8 ذوالحجه 1436 ه.ق، بدعت را بیش‌تر واضح کرده بودیم و هم‌چنان قبل از آن پاسخ‌های دیگری صادر کرده بودیم که در این جا تنها به همین پاسخ فوق اکتفاء می‌کنیم.

دوم- بنا به مسائل فوق‌الذکر، دولت‌ها در صورتی که در سرزمین‌های اسلامی به دلیل ترس سرایت ویروس، نمازگزاران را به اندازه یک‌متر و یا دومتر به فاصله مجبور سازند، برابر است که این عمل‌شان در نماز جمعه باشد و یا نماز جماعت پنج وقت؛ مخصوصاً در صورتی که علائم دیده نشود، بدون شک در این صورت گناهی بزرگی را مرتکب شده‌اند؛ چون این فاصله بدعت است؛ زیرا این فاصله مخالفت واضحی در کیفیت و چگونگی صفوف و پیوستن صفوفی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام داده است که از جمله دلائل آن قرار ذیل‌اند:

بخاری در صحیحین خود از ابی سلیمان مالک بن حویرث روایت کره که گفته است: درحالی که ما جوانانی هم‌سن و هم‌سال بودیم، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و بیست شبانه روز را در نزد آن ماندیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم رفیق مهربانی بود:

«فَقَالَ ارْجِعُوا إِلَىٰ أَهْلِكُمْ فَعَلَّمُوهُمْ وَمَرُّوهُمْ وَصَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي وَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤَدِّنْ لَكُمْ أَحَدَكُمْ ثُمَّ لِيُؤَمِّكُمْ أَكْبَرُكُمْ»

ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: بازگردید در نزد خانواده‌های‌تان و آن‌ها را از چیزهای که آموختید تعلیم و امر کنید، نماز بخوانید، مانند‌ی که من نماز خواندم، هرگاه وقت نماز فرا رسید یکی از شما اذان دهد؛ سپس بزرگ‌تر شما برای شما امامت دهد.

بخاری در صحیحین خود از انس بن مالک روایت کرده که گفته است: نماز بر پا شد و رسول الله صلی الله علیه و سلم روی خود را به طرف ما کرده گفت:

«أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ، وَتَرَأَوْا، فَإِنِّي أَرَاكُمْ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي»

ترجمه: صف‌های‌تان را راست نموده و با هم پیوست ایستاده شوید؛ چون من شما را از پشت سرم می‌بینم.

مسلم در صحیح خود از نعمان ابن بشیر رضی الله عنه روایت کرده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم صف‌های ما را برابر می‌کرد؛ مثلی که یک چوب را راست کند تا مطمئن شدند که انگار به آن گره خوردیم؛ سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم یک روزی به نماز بیرون شده نزدیک بود که تکبیر بگوید ناگهان دید که یک مرد صحرانشینی سینۀ آن از صف بیرون است، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«عِبَادَ اللَّهِ لَتُسَوَّيَنَّكُمْ، أَوْ لِيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوهِكُمْ»

ترجمه: ای بندگان الله (سبحانه و تعالی!) صف‌های تان را راست کنید؛ در صورتی که در بین صف‌های تان پراکندگی باشد، الله (سبحانه و تعالی) در بین شما اختلاف می‌آورد.

هم‌چنان مسلم در صحیح خود از جابر بن سمره روایت کرده که او گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«أَلَا تَصْفُونَ كَمَا تَصِفُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟» فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ تَصِفُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالَ: «يُتِمُّونَ الصُّفُوفَ الْأُولَى وَيَتَرَاصُونَ فِي الصَّفِّ»

ترجمه: آیا مانند‌ی که که ملائکه در نزد پروردگارشان صف می‌بندند، شما صف نمی‌بندید؟ ما گفتیم یا رسول الله! ملائکه چگونه در نزد پروردگارشان صف می‌بندند؟ رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمود: صف‌های اول‌شان را تکمیل می‌کنند و در صف پیوست می‌شوند.

هم‌چنان حاکم تخریح نموده و این حدیث بر شرط مسلم صحیح است که از عبدالله بن عمرو روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«مَنْ وَصَلَ صَفًّا وَصَلَهُ اللَّهُ، وَمَنْ قَطَعَ صَفًّا قَطَعَهُ اللَّهُ»

ترجمه: کسی که صف را وصل کند، الله (سبحانه و تعالی) آن را وصل می‌کند و کسی که صف را قطع کند، الله (سبحانه و تعالی) آن را قطع می‌کند.

احمد از عبدالله بن عمر روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفته است:

«أَقِيمُوا الصُّفُوفَ فَإِنَّمَا تَصْفُونَ بِصُّفُوفِ الْمَلَائِكَةِ وَحَادُوا بَيْنَ الْمَنَاكِبِ وَسُدُّوا الْخَلَلَ وَلِيُنْوَ فِي أَيْدِي إِخْوَانِكُمْ وَلَا تَذَرُوا فُرْجَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ وَصَلَ صَفًّا وَصَلَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَنْ قَطَعَ صَفًّا قَطَعَهُ اللَّهُ»

ترجمه: صف‌های تان را برابر کنید؛ زیرا شما مثل ملائکه صف می‌بندید، شانه‌های تان را با هم برابر کنید و خالی‌گاه‌های بین صف‌ها را پر کنید، در برابر برادران تان نرمی و عطفوت کنید، خالی‌گاه برای شیطان نگه ندارید، کسی که صفی را وصل کرد الله (تبارک و تعالی) آن را وصل می‌کند و کسی که صفی را قطع کرد الله (سبحانه و تعالی) آن را قطع می‌کند.

این احادیث توضیح کاملی است از جانب رسول الله صلی الله علیه وسلم برای کیفیت اداء نماز جماعت که صحابه رضی الله عنهم مقید بر همین کیفیت بودند. مالک در موطأ و بیهقی در سنن کبیرا روایت نموده‌اند که عمر بن خطاب رضی الله عنه به برابری صف‌ها امر می‌کرد، وقتی از برابری صف‌ها به او خبر داده می‌شد، آن‌گاه تکبیر می‌گفت.

سوم- گفته نشود مرض ساری عذری است که فاصله را در صف‌های نماز جائز می‌گرداند؛ زیرا مرض ساری عذری است برای نرفتن به مسجد؛ نه این که شخص به مسجد برود؛ ولی از دیگر نمازگزاران یک‌متر و یا دومتر فاصله بگیرد؛ زیرا امراض ساری در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم اتفاق افتاده؛ ولی از رسول الله صلی الله علیه وسلم کدام روایتی نیامده که شخصی که مصاب به مرض طاعون بوده به مسجد رفته؛ ولی از صحابه دو متر فاصله بگیرد؛ بلکه این شخص معذور پنداشته شده که در خانه خود نماز می‌خواند؛ پس منطقه که مرض در آن جا منتشر می‌شود، معالجه آن مرض توسط دولت به صورت جدی صورت گرفته و مریض‌ها در بین اشخاص صحت‌مند نباید خلط شوند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«الطَّاعُونَ آيَةُ الرَّجْزِ ابْتَلَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ نَاسًا مِنْ عِبَادِهِ، فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِ وَإِذَا وَقَعَ بَارِضٍ وَأَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَفْرُوا مِنْهُ»

ترجمه: طاعون نشان عذاب الله (سبحانه و تعالی) است که مردمی را از بندگان خود به آن مبتلا می‌سازد، وقتی شما از این مرض شنیدید، در آن شهر داخل نشوید و وقتی در یک شهر این مرض پیدا شد و شما در آن شهر بودید از آن شهر خارج نشوید. (این حدیث را مسلم در صحیح خود از اسامه بن زید روایت کرده است.)

یعنی شخصی که به مریضی ساری مبتلا است در بین اشخاص صحت‌مند نرفته و باید برای علاج و تداوی آن شخص تلاش‌های کافی صورت گیرد که اگر اراده الله سبحانه و تعالی رفته بود شفا یاب خواهد شد؛ اما اشخاص صحت‌مند باید به مسجد رفته و نماز جمعه و جماعت‌شان را بدون فاصله مانند حالت عادی اداء کنند.

چهارم- هم‌چنان گفته نشود که فاصله در نماز در وقت و بقاء، بر حکم رخصت نشستن در نماز قیاس می‌شود؛ اگر چنین قیاسی صورت گیرد، این قیاس قیاس شرعی نبوده؛ زیرا مریض نشسته نماز می‌خواند؛ چون از جانب الله سبحانه و تعالی به دلیل عذری که دارد رخصت است و اعذار از جمله اسباب بوده؛ نه از جمله علت‌ها؛ پس شریعت هر عذری را برای حکم معینی آورده که این عذر به دیگر احکام سرایت نمی‌کند؛ بلکه آن عذر خاصی پنداشته می‌شود که تنها برای همان حکم مشخص عذر می‌باشد؛ نه برای عموم احکام؛ پس سبب، وجه علت نبوده؛ بناءً بر آن چیزی دیگری قیاس کرده نمی‌شود؛ بلکه سبب مخصوص همان مورد خاص خودش بوده به غیرش سرایت نمی‌کند؛ اما به خلاف علت؛ چون علت مخصوص حکم مخصوصی نبوده؛ بلکه بر دیگر موارد نیز سرایت کرده و بر آن دیگر موارد نیز قیاس کرده می‌شود به همین دلیل است چیزی که در مورد عبادات واقع شده سبب است؛ نه علت، به همین سبب عبادات را توقیفی قرار داده که تعلیل و قیاس کرده نمی‌شود؛ زیرا سبب مخصوص همان موردی است که در همان مورد وارد شده است.

پنجم- رخصت حکمی از احکام شرعی است که یک مکلفیت را از انسان مرفوع ساخته، می‌توانیم بگوئیم رخصت خطاب شارع است که متعلق به افعال بندگان از جهت رفع حکم شرعی است؛ بناءً زمانی که رخصت موصوف به صفت خطاب شارع باشد

لازم است که دلیل شرعی موجود باشد که بر آن دلالت کند؛ به گونهٔ مثال: در مورد این که مریض نماز را نشسته می‌خواند، بخاری در صحیح خود از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت کرده است که او گفت، من مرض بواسیر داشتم از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد نماز سوال کردم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«صَلِّ قَائِمًا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلَى جَنْبٍ»

ترجمه: نماز را ایستاده بر پا دار؛ اگر نتوانستی، نشسته بخوان و اگر نمی‌توانستی بر پهلو بخوان.

پس این رخصت است که دلیل شرعی در مورد آن آمده و هرگاه دلیل شرعی در مورد خاص آمد و آن را به عنوان عذری برای حکم معینی شناخت، همان مورد عذر پنداشته می‌شود و اگر دلیلی برای آن نبود، اعتبار داده نمی‌شود و مطلقاً به عنوان عذری پنداشته نمی‌شود؛ بناءً نظر به این که کدام دلیلی وجود ندارد که مریض در نماز از نمازگزاران پهلویش یک متر و یا دو متر فاصله بگیرد؛ بناءً شرعاً به این مسأله ارزش و اعتبار داده نشده و این مورد به عنوان عذری صحیح نمی‌باشد؛ مخصوصاً درحالتی که هنوز مریضی مشخص نبوده؛ بلکه تنها احتمال مریض بودن موجود می‌باشد.

ششم- خلاصهٔ آن چه که گذشت این است:

- 1- تغییر کیفیتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در نماز بیان کرده بدعت پنداشته می‌شود؛ بناءً حکم شرعی در این حالت این است که شخص صحت‌مند مانند حالت عادی اش به نماز رفته و در صف نمازگزاران به صورت پیوست و بدون خالی‌گاه ایستاده شود؛ اما مریض مبتلا به مرض ساری در مسجد به نماز نرفته تا مرض آن به دیگران سرایت نکند.
- 2- وقتی دولت مساجد را بسته کرده و اشخاص سالم را از رفتن به مسجد و نمازهای جمعه و جماعت منع کند به دلیل تعطیل کردن جمعه و جماعت گنه‌کار است؛ پس باید طبق ارشادات رسول الله صلی الله علیه وسلم مساجد دائماً برای برپائی نمازها باز باشند.
- 3- هم‌چنان وقتی دولت نمازگزاران را از اداء نماز مطابق کیفیت اداء نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم منع کرد و مردم را به فاصله گرفتن یک‌متر و یا دو متر ملزم ساخت؛ مخصوصاً درحالتی که علائم مرض در وجود شخص موجود نباشد، در این حالت هم گناه بزرگی را مرتکب شده است.

این است حکم شرعی که من در خصوص این مسأله ترجیح می‌دهم و الله سبحانه و تعالی از همه عالم‌تر و درکارش با حکمت‌تر است. من از او سبحانه و تعالی می‌خواهم که مسلمانان را به مهم‌ترین مکلفیت‌شان هدایت فرموده تا او سبحانه و تعالی را همان‌گونه که امر کرده عبادت کنند. هم‌چنان مسلمانان پای‌بند بر سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده و شریعت ناب و خالص او تعالی را بدون کجی و نقص توسط خلافت راشده بر پا کنند. بدون شک که در برپائی شریعت و دین الله سبحانه و تعالی خیر و کامیابی است که آن را به یاری الله سبحانه و تعالی هیچ چیزی در آسمان و زمین عاجز نمی‌سازد، او ذات قدرت‌مند، با حکمت و شکست‌ناپذیر است.

السلام عليكم ورحمت الله وبركاته!

برادرتان عطاء ابن خليل ابوالرشته

17 شوال 1441 هـ.ق.

9 جون 2020 م.

مترجم: مصطفى اسلام